

■ ■ عَنِ الْأَنْعَامِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَقْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۲۶ - ۳۵)

۲۶- ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ، إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ﴾:

- ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمانها دوری کنید، چه بعضی گمانها گناه است!
 - ۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اند، از ظن و گمان بسیار اجتناب کنید، چه برخی گمانها گناه است!
 - ۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اند، از گمانهای بد بسیار دوری کنید، چه برخی از گمانها گناه می‌باشند!
 - ۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بسیار از ظن و گمان اجتناب کنید، چه بسیاری از گمانها بسا گناه می‌باشند!
- ۲۷- « هَذَا مِنْ حَسَنِ حَقِّقْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ شَخْصٍ لَهُ قَلْبٌ كَالْبَحْرِ وَ يُمَكِّنُنَا أَنْ نَتَعَطَّمْ مِنْهُ شَيْئًا جَدِيدًا كُلَّ يَوْمٍ! »:

- ۱) خوشبختی‌ای که برای ما است اینست که همراهی شخصی می‌کنیم که دلی چون دریا دارد و برایمان ممکن می‌کند تا هر روز چیز جدیدی از وی بیاموزیم!
- ۲) خوش اقبالی ما به اینست که همراه کسی هستیم که قلبش چون دریاست و ما می‌توانیم هر روز چیزهای جدیدی از وی بیاموزیم!
- ۳) این خوشبختی ما است که هر روز همراه کسی باشیم که قلبی چون دریا دارد و امکان دارد که چیزهای تازه‌ای از او بیاموزیم!
- ۴) این از خوش اقبالی ما است که همراه شخصی باشیم که دلی چون دریا دارد و می‌توانیم هر روز از او چیز جدیدی بیاموزیم!

۲۸- « قَدْ نَقَرْنَا قَسَمًا قَلِيلًا مِنْ كِتَابِ نَتَصَلَّحْهُ، وَ هُوَ وَ إِنْ كَانَ قَلِيلًا وَلَكِنَّهُ يُؤَثِّرُ فِي أَنْفُسِنَا تَأْتِيرًا! »:

- ۱) گاهی قسمتی اندک از کتاب را ورق زده می‌خوانیم، و آن درحالیکه کم است ولی حتماً در درونمان اثر می‌گذارد!
- ۲) گاه قسمت اندکی از کتابی را که ورق می‌زنیم می‌خوانیم، و با اینکه آن اندک است اما در درونمان اثر فراوان دارد!
- ۳) گاه قسمتی اندک از کتاب را درحالیکه ورق می‌زنیم، می‌خوانیم، که آن اگرچه اندک است اما بی‌گمان در درون ما اثر دارد!
- ۴) گاهی قسمت اندکی از کتابی را که آن را ورق می‌زنیم، می‌خوانیم، و آن اگرچه اندک است ولی قطعاً در درون ما اثر می‌گذارد!

۲۹- « إِنْ رَأَيْتَ غَدَا سَأَعْلَمُكَ كَيْفَ تَدْفَعُ سُوَيْتِكَ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ، لِأَنَّ الْحَسَنَةَ وَ الْمَبِيئَةَ لَا تَمْتَوِيَانِ! »:

- ۱) چنانچه فردا ببینمت، به تو خواهم آموخت که چطور بدیت را با نیکی جبران کنی، برای اینکه نیکی و بدی با هم برابری نکنند!
- ۲) چنانچه فردا دیدمت، تو را یاد می‌دهم چطور باید بدی خود را با آنچه نیکوتر است جبران کنی، زیرا نیکویی با بدی یکی نمی‌شود!
- ۳) اگر فردا تو را ببینم به تو یاد خواهم داد که چگونه بدی خود را با چیزی که بهتر است، دور کنی، زیرا نیکی و بدی برابر نمی‌باشند!
- ۴) اگر فردا تو را دیدم، به تو می‌آموزم که چگونه می‌شود بدی خود را با نیکویی به بهترین شکل جایگزین کنی، تا خوبی و بدی برابر نشود!

۳۰- « إِنَّمَا الْفَخْرُ لِلْحَقَامِ الَّذِينَ يُدْرِكُونَ حَوَائِجَ النَّاسِ وَ مَشَاكِلَهُمْ وَ يَخْدُمُونَهُمْ خِدْمَةً صَادِقَةً »:

۱) فقط فخر، برای حاکمان است زیرا حاجتهای مردم و مشکلات آنها را درک کرده، به آنها خدمت صادقانه می‌کنند!

۲) افتخار فقط برای حاکمانی است که نیازها و مشکلات مردم را درک می‌کنند و به آنها خدمتی صادقانه می‌کنند!

۳) تنها افتخار برای حکام است چه به احتیاجات مردم و سختی‌هایشان واقفند و به آنها با صداقت خدمت می‌کنند!

۴) فخر تنها برای حکمرانانی است که نیازها و سختی‌های مردم را فهمیده‌اند، و به آنها با صداقت خدمت می‌کنند!

۳۱- « تِلْكَ الْمَرْأَةُ مِنْ أَعْظَمِ الْمُتَخَصِّصِينَ فِي الدِّرَاسَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ تُعَدُّ أَيْضًا مِنْ أَشْهُرِ الْمَسْتَشْرِقِينَ فِي الرَّبِيعِ الْأَوَّلِ مِنَ الْقَرْنِ الْعِشْرِينَ »:

۱) آن زن از بزرگترین کارشناسان پژوهش‌های اسلامی می‌باشد و جزء شرق‌شناسان مشهور ربیع اول قرن بیستم هم هست!

۲) آن زنی است که جزء متخصصین بزرگ تحقیقات اسلامی بوده و جزء شرق‌شناسان ربیع اول قرن بیستم هم بشمار می‌آید!

۳) آن زن از بزرگترین متخصصان در تحقیقات اسلامی است و همچنین از مشهورترین خاورشناسان ربیع اول قرن بیستم به‌شمار می‌رود!

۴) آن زنی است که از جمله کارشناسان بزرگ در پژوهش‌های اسلامی بوده و همین‌طور از جمله مشهورترین مستشرقان ربیع اول قرن بیستم شمرده می‌شود!

۳۲- « لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تُسَافِرَ بِسَيَّارَةٍ قَدْ غَطَّلَتْ إِلَّا أَنْ تُصَلِّحَهَا تَصْلِيحًا »:

۱) امکان دارد با ماشینی که خراب است به مسافرت برویم فقط زمانی که تعمیرش کنیم!

۲) نمی‌توانیم با ماشینی که خراب شده مسافرت کنیم مگر اینکه حتماً آن را تعمیر کنیم!

۳) امکان ندارد بتوانیم با ماشین خراب مسافرت کنیم مگر اینکه آن را بخوبی تعمیر کنیم!

۴) می‌توانیم با ماشینی که خراب شده به مسافرت برویم فقط در صورتی که بخوبی تعمیرش کنیم!

۳۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

۱) إِنْ عَزِمْتُمْ أَنْ تَعْمَلُوا خَيْرًا حَصَلْتُمْ عَلَى طَرِيقِهِ حُصُولًا: اگر تصمیم بگیرید کار خوبی انجام دهید مسلماً راه آن را می‌یابید!

۲) الْفَقْلُ قَدْ يُعَلِّمُنَا دَرُوسًا لَا نَتَعَلَّمُهَا مِنَ النَّجَاحِ: قطعاً از شکست درس‌هایی می‌آموزیم که آنها را از موفقیت نمی‌آموزیم!

۳) مَا كَانَ يَحْضُرُ ذَلِكَ التَّلْمِذُ فِي الصَّفِّ وَ هُوَ مَرِيضٌ: آن دانش‌آموز که مریض بود در کلاس حاضر نشده بود!

۴) لَا تُصْنَعُ مَوَادُّ التَّجْمِيلِ إِلَّا مِنْ زَيْتٍ فِي كَبِدِ الْحَوْتِ: مواد آرایشی را فقط از روغن کبد نهنگ می‌سازند!

٣٤- عين الخطأ:

- (١) إن كنت تُحِبُّ الحياةَ فلا تُضَيِّعْ وقتك بلا فائدة: اگر زندگی را دوست می‌داری، وقت خود را بیهوده تلف مکن!
- (٢) الحقيقة هي الشيء الوحيد الذي لا يُصدِّقُه بعضُ الناس: حقیقت تنها چیزی است که بعضی مردم آن را باور نمی‌کنند!
- (٣) بعضُ الأحيان أسمع صوتًا هائلاً من ضميري يُخبرني أنني لستُ وحيداً: گاهی از درونم صدایی آرام می‌شنوم که به من خبر می‌دهد که من تنها نیستم!
- (٤) لا تُجادِلْ بليغاً و لا سفياً، فالبلِغُ يَغْلِبُكَ و السفِيه يَجْعَلُكَ نادماً: با سخنور و نادان جدل مکن که سخنور تو را شکست می‌دهد و نادان تو را پشیمان خواهد کرد!
- ٣٥- «سبعاته از ساعت هفت و نیم است تا یک ربع به نه». عين الصحيح:

- (١) إنَّ الفطور من المتبع و النصف إلى التسع و الربع.
- (٢) الفطور من الساعة السبع و النصف حتى التسع (لأربعا).
- (٣) الفطور من الساعة السابعة و النصف حتى التاسعة (لأربعا).
- (٤) إنَّ الفطور من المتابعة و النصف إلى العتاعة التاسعة و الربع.

■ ■ إقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (٣٦ - ٤٢) بما يناسب النص:

الجهل الذي هو عدو الأمم و مهلك الناس و مفسدهم، له عدو واحد فقط و هو المعلم! فلهذا للمعلم مكانة رفيعة عند أصحاب البصيرة. كثيراً ما نُشاهد أن بعض الناس يأملون أن يحصلوا على مناصب عالية فيزورون في أمالهم أن يصبح كل منهم رئيساً أو وكيلاً و وزيراً، ولكن هذه المهنة في الحقيقة لا تعادل مرتبة المعلم! نعم! إنَّ الناس يعملون كلهم ولكن لا تجد عاملاً كالعلم؛ إنه يتدبر العقول، فأما غيره فيتدبر الشوارع، هو يهذب النفوس و غيره يهذب الأشجار ... فلهذا لا يتحصّر على حياة الآخرين لأنه هو الذي رزقهم و صنعهم. بناءً على هذا ترى أن الأمم المتعلّمة تُعظم هذه الجماعة لأنها تعلم أن أثرهم يتعكس على حياة المجتمع و نموّه و حركته!

٣٦- عين الموضوع الذي لم يُنكر في النص:

- (١) آمال بعض الناس في الحياة!
- (٢) صفات الجهال و العلماء!
- (٣) سبب تقمّم بعض المجتمعات!
- (٤) ذكر عمل المعلمين و الآخرين!

٣٧- عين الخطأ: على أساس النص، الواجب الأساسي للمعلم هو ...

- (١) العداوة ضدّ أعداء الناس و الحصول على المناصب العالية!
- (٢) تصحيح حركة الأمة و إدخال النشاط و الحياة فيها!
- (٣) تربية العلماء و الأمراء و المهندسين!
- (٤) رفض الجهل و السعي للنفعة!

۳۸- علی أساس ما جاء في النص يمكن أن نقول: إن المعلم لا ...

- (۱) يهتم بما يبقى، بل يهتم بما يتوت!
- (۲) يأخذ منا شيئاً فيه ضرر، بل يُعطينا ذلك!
- (۳) يكشف للناس باطن الأمور، بل يمنعهم عن ذلك!
- (۴) يُخلق عيوننا للمستريح وثلثه، بل يفتحها حتى ننظر ببصيرة!

۳۹- عين الصحيح:

- (۱) من آمال الإنسان في الحياة، أن يُصبح معلماً في يوم من الأيام!
 - (۲) سعادة الأم و تقنمها تعود إلى وقوع المواجهة بين الجهل و العلم!
 - (۳) إذا فات الجهل من بين الناس - على سبيل المثال - فلاحاجة لوجود المعلم!
 - (۴) كان المعلم وقف حياته للتعلب على المفسدين و مهلكي الشعوب في العالم!
- عين الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰ - ۴۲)

۴۰- « تُشاهد »:

- (۱) مضارع - للمتكلم مع الغير - حروفه الأصلية « شهد » و الماضي للغائب على وزن « فاعل »
 - (۲) فعل مضارع - للمتكلم وحده - حروفه الأصلية « شهد » و الماضي للغائب على وزن « فاعل »
 - (۳) فعل مضارع - للمتكلم مع الغير - له حرف واحد زائد، مصدره على وزن « مفاعلة » - معلوم
 - (۴) مضارع - ماضيه للغائب: « شاهد » على وزن « فاعل » - معلوم - فعل و مع فاعله جملة فعلية
- ۴۱- « يأملون »:

- (۱) مضارع - للغائب الجمع - ماضيه المفرد: « أمل » على وزن « فعل »
- (۲) فعل مضارع - للجمع - حروفه الأصلية « أمل » و ليس له حرف زائد
- (۳) مضارع - للجمع المخاطب - حروفه أصلية كلها - مع فاعله جملة فعلية
- (۴) فعل مضارع - للجمع المنكر الغائب - فعل معلوم و مع فاعله جملة فعلية

۴۲- « عاملًا »:

- (۱) مفرد مذکر - اسم فاعل (من فعل « عمل ») - نكرة - مفعول لفعل « نجد »
- (۲) اسم - مذکر - اسم فاعل (من مادة « ع م ل » و حروفه أصلية كلها) - نكرة
- (۳) مفرد - اسم فاعل (من فعل « عمل » على وزن « فعل ») - مفعول لفعل « نجد »
- (۴) اسم - مفرد مذکر - اسم فاعل (من فعل « عامل » على وزن « فاعل ») - نكرة

■ ■ عين المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳-۵۰)

۴۳- عين الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) إنه رجل صادق و محترم، في يوم شاهد جماعة من المسافرين واقفين أمام المسجد!
- (۲) لا يجوز الإصرار على نقاط الخلاف و على العدوان لأنه لا ينفع به أحد!
- (۳) تبدأ الأسعار من خمسة و سبعين ألفاً إلى خمسة و ثمانين ألفاً!
- (۴) ذهب و سأله عن سبب وقوفهم، فقالوا إن سيارتنا معطلة!

٤٤- عين الضحك عن توضيح المفردات التالية:

- ١) المكان الذي يهجم لاعبو كرة القدم إليه ← الملعب
- ٢) عندما لا يؤدي الإنسان أعماله في وقتها ← التأجيل
- ٣) الذي يقذف النفايات على سطح الأرض ← الملوّث
- ٤) الكلمات الفارسية إذا دخلت إلى العربية ← المعرّب

٤٥- عين خير المناسب في المعادل:

- ١) أ يكونُ أجمع من لعلّة ← صرفه جوتراز مورچه هست!
- ٢) خير الأمور أوسطها ← اندازه نگهدار، كه اندازه نکوست!
- ٣) أكلتم ثمري و عصيتم أمری ← نمک خورد و نمکدان شکستا
- ٤) من صار صيداً أكله الصيادُ ← هر که صيد شد، خوردنش واجب است!

٤٦- عين ما فيه اسم المكان:

- ١) وصل عمال إطفاء الحريق سريعاً مع أن معبرهم ما كان وسيعاً!
- ٢) استعاد المريض من مرهم لدفع آلامه من الحساسية الجلدية!
- ٣) كانت مهنة أخي من السنوات الماضية مصلح السيارات!
- ٤) هذا محرار جديد يعمل أحسن مما كان يُشبهه من قبل!

٤٧- عين ما ليس فيه اسم المبالغة:

- ١) أنت صديقي فكُن متّار عيوي في الحياة!
- ٢) هي لا تتكلم إلا بعد أن تُفكر في كلّ ما تريد أن تقول، فهي فهامة!
- ٣) اجتمع عمال البناء في مكان ليؤزّعوا للعمل على الأماكن المختلفة!
- ٤) أعرف عطاراً يصنع حبوباً عشبية مفيدة للأعصاب و هو خلاقٌ جداً!

٤٨- عين الخطأ عن العدد:

- ١) اشتريت ثلاثة كتب بثلاثين وستة تومانا،
- ٢) ثمن الواحد منها اثنا عشر تومانا،
- ٣) دفعت أربعين تومانا إلى البائع،
- ٤) و أخذت منه أربعة تومانات!

٤٩- عين « يقفز » بوضع ما قبله:

- ١) هذا السنجاب يقفز من هذه الشجرة إلى تلك الشجرة!
- ٢) بحثت عن سنجاب يقفز من شجرة إلى شجرة بسرعة!
- ٣) رأيت ذلك السنجاب يقفز بسرعة من هنا إلى هناك!
- ٤) كان سنجاب يقفز على الأشجار في الغابة بسرور!

٥٠- عين ما لم يكر فيه المستثنى منه:

- ١) لا تأكل أسماك الزينة إلا القرائن الحية!
- ٢) لا يوجد في الطبيعة حيوان أبكم إلا الزرافة!
- ٣) لا يقدر الناس أن يصعدوا الجبل إلا الأقوياء!
- ٤) لا تقدر الحيوانات اللبونة على الطيران إلا الخفاش!